

نام و نام خانوادگی:
مقطع و رشته: هفتم
نام پدر:
شماره داوطلب:
تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد انقلاب
آزمون پایان ترم نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: املا
نام دبیر: مهری اخوی
تاریخ امتحان: ۱۳/۱۱/۰۱
ساعت امتحان: ۸:۰۰ صبح
مدت امتحان: ۲۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
	<p>پدر رحمه الله علیه را گفتم: «از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد.» گفت: «تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق افتی.» غرقه ی شکوه و اعجاز و زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه ام احساس کردم. آب، این روح مذاپ زندگی، زلال و با گام های استوار شتابان می رفت. شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب نزد من بخسب. مادرم دعا کرد و گفت: «یا رب! تو از وی خوشنود باش و درجتش، درجه اولیا گردان.» اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ ها حک شده بود، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد. بزرگی در پاسخ او گفت: «قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می شود.» پانزده روز مرخصی ام مثل باد گذشت. دیگر زمان رفتن بود. آن روز صبح باید ساعت نه جلوی در پادگان بودیم تا از همان جا به جبهه اعزام شویم. خوب به یاد دارم، وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم که چطور به ننه ام بگویم.</p>	

جمع بارم : ۲۰ نمره